

عمل به مسئولیت اجتماعی



با نگاهی به زندگی و سلوک والدین سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

و در واقع پاسخ‌گویی اجتماعی داشته باشد. ماحصل این تحقیق دربرگیرنده نکاتی ارزشمند است که به اختصار برای علاقه‌مندان مطرح می‌کنم:

اعتقادات دینی قوی

یکی از نکات بسیار مهم در رفتار پدر و مادر بزرگوار حاج قاسم این بوده است که آن‌ها به‌شدت به مسئله حلال و حرام اعتقاد داشتند؛ به عنوان نمونه مرحوم پدر حاج قاسم سلیمانی جزو معدود کسانی بودند که زیر بار اصلاحات ارضی نرفتند، با وجود این‌که شرایط زندگی آن زمان او و اکثر کسانی که در آن منطقه زندگی می‌کردند، بسیار سخت بوده و مسئله اصلاحات ارضی می‌توانسته کمک مالی خوبی برایشان باشد، اما به این دلیل که ممکن است اربابان قبلی رضایت نداشتند باشند و این عدم رضایت منشأ کسب درآمد غیر حلال شود با این طرح همراهی نمودند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند «عبادت ده جزء دارد، که نه جزء آن، طلب روزی حلال است.» تفسیر عینی این روایت را در سلوک پدر و مادر حاج قاسم می‌توان رؤیت نمود.

دیگرخواهی و دستگیری نیازمندان

نکته دیگر این‌که پدر حاج قاسم؛ مشهور به

در بحث مسئولیت اجتماعی و چگونگی عمل به آن، توجه به سلوک و روش زندگی شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی به عنوان فردی که مسئولیت اجتماعی را تا بالاترین مرحله؛ یعنی فدا کردن جان خود انجام داده، بسیار مهم و تأثیرگذار است. حال که از نعمت حضور او در بینمان محروم شده‌ایم با خود تصمیم گرفتیم با سفر به محل زندگی وی پژوهشی برای یافتن پاسخ به این سؤال که «چه اتفاقی می‌افتد که چنین شخصی تا این حد مسئولیت‌پذیر است؟» پیدا نمایم. پاسخ به این سؤال در واقع ورودی بر موضوع مسئولیت اجتماعی خواهد بود.

با توجه به این‌که زمینه شغلی بنده پزشکی اجتماعی است و به‌طور خاص در مورد تأثیر رفتار والدین بر فرزندان مطالعاتی انجام می‌دهم بر آن شدم تا از این فرصت استفاده کرده و از بزرگان و اصطلاحاً ریش‌سفیدان محل زندگی حاج قاسم عزیز، در مورد منش، رفتار پدر و مادر و همچنین کودکی ایشان تحقیقی هرچند دلی داشته باشم. اعتقاد بر این است که مسئولیت‌پذیری شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی به عنوان الگوی واضح و بسیار دست‌نیافتنی، به رویکرد پدر و مادر در تربیت و زمان کودکی او برمی‌گردد؛ چراکه این موضوع یکی از عوامل بسیار مهمی است که موجب می‌شود شخصی دغدغه مسئولیت اجتماعی

تعریف ساده‌ای که از مسئولیت اجتماعی می‌توان گفت این است که هر فرد می‌بایست دغدغه بهبود اجتماع را داشته باشد. همه باید بدانیم که اگر در حین رد شدن از خیابان، کودک کار یا زنی تن‌فروش را ببینیم، ما هم به نوبه خود برای بهبود شرایط او مسئول هستیم. مهم ذهنیتی است که باعث می‌شود ما نیز دغدغه این گروه‌ها را داشته باشیم و در جهت کمک به آن‌ها قدمی حتی کوچک برداریم، چون «زندگی پژواک رفتار ماست». حتی اگر با دید معامله‌گری هم به این مسئله نگاه کنیم. باید گفت «این جهان کوهست و فعل ما نداء، سوی ما آید ندها را صدا»؛ یعنی قطعاً در آینده نتیجه این دغدغه‌مند بودن و برکتی که از آن در زندگی‌مان حاصل می‌شود را خواهیم دید. بنده در تعریف برکت در اولویت اول به ارزش مالی نگاه نمی‌کنم، بلکه اعتقاد دارم گاهی برکت در وقت، احسان به پدر و مادر و ... نیز نمایان می‌شود، در واقع مهم‌ترین نکته در برکت، آرامشی است که در نتیجه انجام این کار بر زندگی انسان حاکم می‌شود. طبعاً افرادی که به مسئولیت اجتماعی اعتقاد دارند و به آن عمل می‌نمایند در مرحله اول انسان‌های بسیار با گذشته‌ی هستند و از آرامش، سرمایه، آبرو و در مراحل بالاتر از جان خود هم می‌گذرند، ضمن این‌که از سطح امیدواری بسیار بالایی برخوردارند.

آسویی که متأسفانه در کل دنیا شاهد بروز و تشدید آن هستیم این است که جامعه در حال تغییر از حالت جمع‌گرایی به فردگرایی است. خصوصیت بارز جامعه فردگرا، خودخواهی است، اصطلاحاً گفته می‌شود شعار جامعه فردگرا من، من و من است. درحالی‌که نسلی که از اواخر قرن بیستم و بعد از آن متولد شده است، شدیداً در مقابل این موضوع آسیب‌پذیر است. همان‌طور که پیش از این هم اشاره شد شروع آموزش مسئولیت اجتماعی از خانواده است نه مدرسه. والدین با عمل‌گرایی به بهترین شکل می‌توانند به فرزندان خود مفاهیمی چون دغدغه‌مند بودن، دیگرخواهی، رعایت حقوق دیگران، صبر و انجام کار تیمی را بیاموزند؛ به عنوان یک مثال ساده، اگر فرزند به آب نیاز دارد با کمی

مشهدی حسن (مش حسن) پیش‌تاز مسئولیت‌پذیری در آن منطقه بوده اند، به‌طوری‌که به رغم آنکه از مکتب مالی خاصی برخوردار نبودند، درب خانه‌شان به روی هر گرسنه، در راه مانده و نیازمند باز بوده است، تا این حد که از خانه ایشان با عنوان کافه مش حسن یاد می‌شده است. همچنین نقل می‌کردند مادر بزرگوار شهید در ماه مبارک رمضان سه مرتبه در روز تنور روشن می‌کردند و با زبان روزه برای مهمانان ناخوانده نان می‌پختند.

اوج مهر و محبت

مورد دیگر مهربانی بسیار زیاد مادر بزرگوار شهید بوده است، به عبارتی حاج قاسم با وجود مادری چون او، سیراب محبت شده بود و این نکته‌ای است که در هیچ منبع غربی به‌صورت تجربی دیده نمی‌شود، هرچند که غربی‌ها از لحاظ علمی در این مسائل خیلی خوب ورود کرده‌اند. رفتار مهربانانه پدر حاج قاسم با حیوانات نیز شهره عام و خاص بوده است. یعنی مهربانی این دو بزرگوار حد و مرزی نداشته است.

با این مقدمه و با هدف الگوگیری از زندگی بزرگان، همچون حاج قاسم و خانواده‌اش، بحث عمل به مسئولیت اجتماعی را پی می‌گیریم با تأکید بر این نکته که «هر پولی» کفایت آن را ندارد که در مسیر خیررسانی به دیگران هزینه شود و «هر کسی» هم نمی‌تواند در عمل به مسئولیت اجتماعی ورود کند. به عبارت بهتر، اگر کسی به مسئولیت اجتماعی عمل می‌کند، مطمئن باشید که به عقبه آن شخص برمی‌گردد و این موضوع یک‌شبه انفاق نمی‌افتد. درواقع ریشه توجه به دیگران در محیط خانواده و تحت‌تأثیر تربیت صحیح شکل می‌گیرد؛ این‌که شخص در خانواده یاد بگیرد که دغدغه دیگران را هم داشته باشد و خود را نسبت به مشکلات و دردهای دیگران مسئول بداند. مهم‌ترین نکته در این مورد هم این است که پدر و مادر در عمل، تأکید می‌کنم در عمل، الگوی مناسبی باشند چراکه نصیحت، پند و اندرز در اینجا به تنهایی کارساز و مؤثر نخواهد بود.

دوست‌داشتنی است و به قول شاعر:

زندگی زیباست‌ای زیباپسند

زنده‌اندیشان به زیبایی رسند

آن‌قدر زیباست این بی‌بازگشت

کز برایش می‌توان از جان گذشت

نظریه‌ای وجود دارد با عنوان «نظریه اجتماعی شدن» که در سال ۱۹۶۰ بیان و در سال ۲۰۱۵ مجدداً احیا شده است که بر چگونگی پذیرش فرهنگ توسط بچه‌ها از غذا خوردن، لباس پوشیدن تا خودخواهی و دگرخواهی اشاره می‌کند. این نظریه می‌گوید اگر می‌خواهید فرهنگی را اصلاح کنید، مهم‌ترین و اولین رکن خانواده است بعد مؤسساتی مثل مدرسه، مهدکودک، سپس دوست و در آخر رسانه‌ها از جمله تلویزیون، اینترنت و ... تهدید جدی که در حال حاضر وجود دارد این است که مراحل این نظریه وارونه شده‌اند به گونه‌ای که نقش پدر و مادر کم‌رنگ شده و ابرهمتاها یعنی رسانه‌های دیجیتال و در راس آن موبایل به بچه‌ها آموزش می‌دهند.

در خصوص حوزه‌های عمل به مسئولیت اجتماعی، خوشبختانه توجه به مواردی چون ساخت بیمارستان، احداث مدرسه و خیریه‌هایی با اهداف مشخص وجود دارد، ولی بنده تاکنون خیریه‌ای ندیده‌ام که در آن کسانی عضو باشند که مرتبط با رشته تحصیلی خود توانایی آموزش مباحث مربوط به تربیت فرزند یا فرهنگ‌سازی را داشته باشند و در این مورد به وسیله نشریات یا کلیپ‌های چندرسانه‌ای اطلاعات خود را به‌صورت رایگان در اختیار دیگران قرار دهند. به عبارتی دیدگاه ما در حوزه مسئولیت اجتماعی به موضوع ساخت‌وساز محدود می‌شود، چه بسا آدم‌های زیادی هستند که در این موضوع دلشان می‌تپد؛ نمونه بارز آن را در جریان شیوع بیماری کرونا دیدیم. مرحله اول کرونا با وجود این‌که اتفاقی غیرمترقبه بود که تاکنون در بوت‌های آزمایش قرار داده نشده بود، اما مردم امتحان خوبی پس دادند. وقتی شخصی که مغازه کوچکی دارد و کل سال را به امید رونق

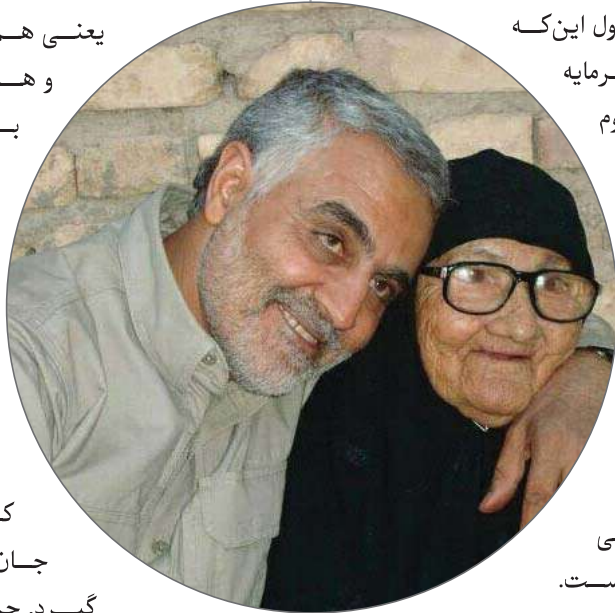
تأمل به او آب دهیم تا صبر را تمرین کند، ولی متأسفانه ارزش‌ها عوض شده است و همه شعار کودک‌سالاری سر می‌دهند و با توجه بیش از حد به خواسته‌های کودکان به سرعت به سمت جامعه فرزندسالار حرکت می‌کنیم و نه فرزندمحور، در حالی که پدر و مادر با به دنیا آوردن یک کودک حق بسیار سنگینی در تربیت و پرورش او برگردن دارند. در جامعه امروز، محوریت تمام خریدهای خانه، خواسته‌ها، نیازهای کودک شده است. ابراز محبت‌های نادرست باعث شده جشن تولدهای آن‌چنانی برای کودکان برگزار کنیم که به جای این‌که آن‌ها را سیراب محبت کند، مادی‌گرا، متوقع و ظاهربین بار می‌آورد. همه این‌ها آسیب‌هایی است که در آینده نتیجه آن دیده می‌شود چنین بچه‌هایی هرگز جز خود به کسی فکر نخواهند کرد.

کوچک‌ترین واحد جامعه خانواده است و مهم‌ترین امر برای پذیرش ارزش‌های اجتماعی، توجه خانواده و به طور مشخص والدین به آن ارزش‌ها است. در پایین‌ترین سطح ارزشی مثل دیگرخواهی، اگر زن و شوهر نسبت به یکدیگر و نسبت به فرزندان خود احساس مسئولیت کنند طلاق کاهش می‌یابد، فرزندان مورد آزار قرار نمی‌گیرند و خانه‌های سالمندان تعطیل خواهد شد. در این زمینه می‌بایست به خانواده‌ها آموزش داد و روشن‌نگری نمود. متأسفانه باوجود خلأهای زیاد ورود به مسئله فرهنگ و مسائل نرم، با هدف عمل به مسئولیت اجتماعی، کمتر بوده است در حالی که از این طریق اثرگذاری بیشتری دریافت خواهد شد.

اضافه بر این، یکی از مولفه‌های مهم مولد مسئولیت پذیری اجتماعی سبک دلبستگی مادر و کودک است که در دو سال اول زندگی شکل می‌گیرد. چراکه شش‌ماهگی تا دوسالگی سنی است که کودک می‌تواند دید مثبتی به دنیا پیدا کند و دنیا را محلی امن برای خدمت به دیگران بداند. از طرفی ثابت شده است که کسانی که مسئولیت اجتماعی بالایی دارند، معمولاً سبک دلبستگی‌شان ایمن است؛ یعنی تا دوسالگی مادر، مادر بزرگ یا پرستار در کنارشان بوده است و به کودک القا شده که دنیا جای

چه از لحاظ سلامت کاری و چه دغدغه‌های دیگر زندگی از مسئولان کشور می‌بینند، باز هم مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالایی دارند. همان‌طور که اشاره شد شروع آموزش مسئولیت‌پذیری اجتماعی از خانواده است که رویکرد پایین به بالا است و بسیار اهمیت دارد، اما رویکرد بالا به پایین نیز مهم است. زمانی که پیشامدی به وقوع می‌پیوندد و مشکلاتی در جامعه به وجود می‌آید مردم باید احساس کنند که مسئولان کشورشان در کنار آن‌ها هستند و آن‌وقت است که جامعه سرشار از مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی خواهد شد. اگر انرژی مثبت مسئولیت اجتماعی از هر دو سو یعنی هم از طریق آموزش خانواده‌ها و هم حکومت وارد جامعه شود به اصطلاح حالت سپینرژ (هم‌افزایی) ایجاد خواهد شد و در چنین جامعه است که قاسم‌های سلیمانی پرورش می‌یابند.

یکی از راه‌های فرهنگ‌سازی در «عمل به مسئولیت اجتماعی» الگوسازی است که از هر سه بُعد یعنی مال، جان و آبرو باید مورد توجه قرار گیرد. چراکه الگوها به‌مثابه فانوس و روشنایی هستند که جهت حرکت جامعه را روشن و مشخص می‌نمایند. بارها بنده به اصرار از خیران و عاملان به مسئولیت اجتماعی درخواست کردم که تابلویی از آن‌ها در خیابان یا جایی جلوی دید همگان قرار گیرد، دیده شدن این تابلو از یک‌جهت موجب دعای خیر برای صاحب تابلو و امیدواری در وجود افرادی است که نیازمندند و با خود می‌گویند «خدا را شکر کسی در این شهر است که به فکر ما هم هست»، از جهت دیگر برای شخصی که استطاعت مالی دارد، تلنگری است که «من هم می‌توانم چنین کاری کنم» و حداقل روی این مسئله تأمل بیشتری می‌نماید. —



شب عید و به‌دست آوردن درآمدی جهت امرار معاش و تسویه بدهی خانواده‌اش بوده است، بدون هیچ چون‌وچرایی آن را تعطیل می‌کند تا از شیوع بیشتر ویروس جلوگیری نماید و جان هم‌وطنان بیشتری به خطر نیفتد، قطعاً نمره خوبی از عمل به مسئولیت اجتماعی خواهد گرفت. البته بودند کسانی که مقاومت کردند، اما در اکثر بنگاه‌های اقتصادی، نسبت گروهی که احساس مسئولیت نمودند بسیار چشمگیر بود. همچنین در بحث ضدعفونی معابر شهر و موضوع رسیدگی به معیشت مردم حاشیه شهر هم بسیاری از گروه‌های مردمی پای کار آمدند. بنده اعتقاد دارم که به کار خیر به دو

صورت می‌توان نگاه کرد: اول این‌که

شخص خیر چند درصد از سرمایه

خود را هزینه کرده و نگاه دوم

قدر مطلق عددی که هزینه

شده است چقدر است.

در واقع درصد سرمایه

آن چیزی است که

مورد قبول خداوند واقع

می‌شود. ما آدم‌های خیر

زیادی در جامعه داریم، اما

از آنجایی‌که عدد مطلق بالایی

ندارند، دیده نمی‌شوند، ولی

خداوند بر همه چیز واقف است.

ارزشمندترین حالت عمل به مسئولیت

اجتماعی حالتی است که افراد و سازمان‌ها در

انجام کار خیر بدون نام و نشان به میدان وارد می‌شوند.

حضور بدون نام اتاق بازرگانی کرمان در بحران کرونا

از این نوع بود که جای بسی قدردانی و تشکر دارد.

در بیشتر حوزه‌ها شاهد بودیم که اتاق کرمان تماس

گرفته و اعلام آمادگی کرده و اصطلاحاً «منوی باز» برخورد

می‌کرد و خیلی از خیررسانی‌های این مجموعه بدون نام

ماند که باید از طرز فکر حاکم بر این مجموعه قدردانی

کرد.

مردم باوجود کم‌لطفی‌هایی که در زمینه‌های مختلف